

الگوی بازدارندگی جرایم شهری مبتنی بر اصول شهرسازانه با حذف فضاهای بی دفاع شهری

عباس بخشنده نصرت- هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سمنان، ایران.
جمال الدین دریاباری - هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.
پدرام اخوان گوران^۱ - دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه عدالت، تهران، ایران.

Against the crime urban model based on principles of urbanism by eliminating defenseless urban spaces Abstract

Increased crime and delinquency reduce social security and cause instability in development. The rate of crime in large cities and especially in the metropolises of the world, compared to other cities and rural areas is much higher. In Iran, according to official statistics, the highest rate of crime, in Tehran, and consequently, most of the material and immaterial capital and reduction measures to solve this problem is assigned. But unlike the results predicted and asked city managers and officials of police and justice. Research results and practical experiences on the one hand and security on the other hand indicates that the space community policing to reduce crime, it is not possible for right way. As the defect strategies such as improving economic conditions and culture, is that long-term and are. With this aim, the role of urban planning in reducing crime makes clear. This study was conducted descriptive and analytical methods. Using the software ArcGIS focus of criminal offenses specified and then adapted to the urban centers were analyzed. Furthermore, the pattern was presented to reduce urban crime based on urban planning model was presented to experts. The hypothesis was tested using SPSS. The model for reducing urban crime, in accordance with the principles of proper planning of urban and accuracy of Sptd in the city.

Keywords: space defenseless, Tehran, urbanism, crime reduction model

چکیده

افزایش جرایم و بزهکاری، امنیت جامعه را کاهش داده و موجب ناپایداری توسعه می شود. میزان بزهکاری در شهرهای بزرگ و بویژه در کلانشهرهای دنیا، نسبت به سایر شهرها و نقاط روستایی بسیار بیشتر است. در کشور ایران مطابق آمارهای رسمی، بالاترین نرخ این بزه، در شهر تهران وجود دارد و به تبع آن، بیشترین سرمایه های مادی و غیرمادی و اقدامات کاهشی برای حل این مسأله اختصاص می یابد. اما نتایج، همیشه مطابق پیش بینی و خواسته مدیران شهری، مسئولان انتظامی و قضایی نیست. دستاوردهای پژوهشی از یک سو و تجارب عملی از جانب دیگر نشانگر آنست که اقدامات پلیسی و امنیتی کردن فضای جامعه به منظور کاهش بزهکاری، نه امری است ممکن و نه راهی است درست. همچنان که نقص راهکارهایی چون بهبود شرایط اقتصادی و فرهنگ سازی، در اینست که طولانی و دیربازده هستند. از این رو پژوهش حاضر در نظر دارد به این پرسش پاسخ دهد که «الگوی مناسب فضای شهری که سازگار با حذف فضاهای بی دفاع و کاهش جرایم و خشونت در فضای شهر تهران باشد کدامست؟» با این هدف که نقش و جایگاه شهرسازی در کاهش جرایم را روشن سازد. پژوهش حاضر، با شیوه توصیفی- تحلیلی انجام شده است. ابتدا با استفاده از نرم افزار ArcGIS کانون های بزهکاری مشخص شده و سپس انطباق کانون های بزه با وضعیت شهرسازی مورد تحلیل قرار گرفت. در ادامه، الگوی کاهش جرایم شهری بر اساس الگوی شهرسازی ارایه گردید و الگو به خبرگان موضوع ارایه شد. در اینجا با استفاده از SPSS فرضیه مورد آزمون قرار گرفت که نشان داد الگوی مناسب برای کاهش جرایم شهری، منطبق بر رعایت اصول برنامه ریزی صحیح شهری و تدقیق اصول فوق الذکر در شهر است.

واژگان کلیدی: فضای بی دفاع، تهران، شهرسازی، الگوی کاهش جرم

۱- مقدمه

با تحلیل «فضایی- زمانی» بزهکاری مشخص می‌شود که در برخی از بخش‌های شهر به سبب وجود ساخت کالبدی، اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی حاکم بر آن‌ها، میزان بزهکاری بالاست و به عکس، برخی فضاهای شهری مانع و عاملی بازدارنده جهت بروز فرصت‌های مجرمانه هستند. محققان چندی نیز بر این نقش دوگانه فضا و محیط در بروز جرایم تأکید کرده‌اند (ادبیی سعدی نژاد و عظیمی، ۱۳۹۰، ص ۸۵؛ کلانتری و آیت، ۱۳۸۶، ص ۴۵ به نقل از Greenberg, S. and W.Rohe; 1984; pp. 48-61). یکی از جرائمی که امنیت و آرامش جامعه را دگرگون ساخته و در آن خلل ایجاد می‌نماید سرقت- به ویژه سرقت به عنف- است. تحقیقاتی وجود دارد که تأثیر وقوع جرایمی مانند سرقت بر کاهش احساس امنیت را مورد بررسی و تأیید قرار داده‌اند (عبدی و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۶۵). پیامدهای روحی ناشی از این پدیده حتی پس از کشف و دستگیری سارق نیز تا مدت‌های مدید شهروندان را آزار می‌دهد (مرشدی، ۱۳۸۸، ص ۸ و سلامی و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۸۶). واقعیت آن است که فرهنگ‌سازی در سطح جامعه، تدابیر اقتصادی برای بهبود معیشت عموم و اتخاذ تدابیر امنیتی مانند افزایش نظارت پلیس، اگرچه در جای خود، ارزشمند می‌باشد اما هیچکدام نمی‌تواند خلأ ناشی از ضعف برنامه‌ریزی درست محیطی و کیفیت نامطلوب فضای شهری را پر نماید. در نگاه جغرافی دانان و برنامه‌ریزان شهری، ارتباط تنگاتنگی بین محیط و شرایط حاکم بر آن با نوع رفتار گروه‌های انسانی برقرار می‌باشد. در این باره، نظریه‌ای وجود دارد که خواهان کاهش جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) است (جانکی و قورچی بیگی، ۱۳۸۸، ص ۳۴۸).

در سال ۱۹۷۲ «اسکار نیومن» نظریه فضای قابل دفاع را به عنوان ابزاری جهت کاهش جرم در نواحی شهری مطرح ساخت. او معتقد بود فضاهایی که امکان دیدن و دیده شدن در آنها بیشتر باشد و در ضمن امکان کمی برای فرار وجود داشته باشد پتانسیل کمتری برای فعالیت مجرمان فراهم می‌کنند. برخی از مناطق به طور طبیعی قابلیت دید زیادی دارند، در حالی که برخی دیگر همچون مناطقی که دارای خیابان‌های کم‌نور و یا تونل‌های عابر پیاده

و کوچه‌های بن‌بست هستند، ممکن است چنین قابلیت‌ی نداشته باشند. اگر بزهکاران فکر کنند که در معرض دید قرار دارند، احتمال وقوع بزهکاری کمتر می‌شود. با تغییر محیط زیست، طراحی، تعیین محل قرارگیری ساختمان‌ها و فضای اطراف آنها، امکان نظارت بیشتر فراهم می‌شود. نیومن تغییرات طراحی را به شکل مستقیم با کاهش جرایم مرتبط کرد. از نظر او با طراحی مکان‌ها و فضاهای شهری به گونه‌ای که در معرض دید و کنترل محلی باشند از وقوع جرایم فرصت طلبانه جلوگیری به عمل خواهد آمد. از نظر این دیدگاه طراحی محیطی قابلیت ایجاد احساس پنهان و ایستگی محلی را در میان ساکنین دارد. نمونه‌هایی از تدابیر مورد توجه در کنترل و یا قابل دید نمودن فضاها و کاهش احتمال بزهکاری عبارت است از:

۱. خصوصی‌سازی و انفرادی کردن فضاهای عمومی و نیمه‌عمومی درون و اطراف بلوک‌های ساختمانی؛
۲. کوتاه کردن و یا حتی تخریب راهروهای داخلی، معابر مسقف و بالکن‌های قابل دسترس؛
۳. افزایش میزان نظارت بر ورودی‌ها و معابر مسقف پارکینگ‌های اتومبیل، گاراژهای زیرزمینی، مکان‌های بازی، تسهیلات همگانی و...؛
۴. طراحی ساختمان‌ها و زمین‌های اطراف آنها به نحوی که داخل و خارج منطقه، از راه پنجره‌ها و سایر نقاط مسلط به راحتی قابل رؤیت باشد؛
۵. ترغیب فعالیت در مناطقی که کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد مانند فراهم کردن نیمکت در مناطق بازی؛
۶. کنار هم قراردادن محل عبور وسایل نقلیه و افراد پیاده به جای تفکیک کامل آنها؛
۷. طراحی ساختمان‌ها و محیط اطراف آنها به گونه‌ای که فرصت پنهان شدن در مناطق مسکونی به حداقل برسد (Bennet & Wright, 1984).

۲- طرح مسأله

شهرهای بزرگ جهان، از جمله فضاها و بسترهای جغرافیایی وقوع جرایم است. به همین علت، برخی پژوهشگران مانند پرفیت ابراز می‌دارند که محیط شهرهای بزرگ جهان بیشتر از جاهای دیگر بزه‌زا بوده و ایجاد ترس می‌نماید (پرفیت، ۱۳۷۸، ص ۱۱۶). پلیس بین‌الملل در

توصیفی و تحلیلی انجام می‌شود. برای نمونه، توصیف انواع جرایم و ویژگی‌های زمانی وقوع آن، در کنار تحلیل مکانی و فضایی جرم و کانون‌های جرم‌خیز و علل تسهیل‌کننده در شکل‌گیری کانون، مدنظر قرار گرفته است. برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز این پژوهش از روش کتابخانه‌ای و روش بررسی میدانی استفاده شده است. داده‌های مدنظر به تناسب نیاز برای هر قسمت از پژوهش، به شیوه مناسبی مانند فیش‌برداری، پرسشنامه و مراجعه به آمار رسمی، گردآوری شد. جامعه آماری این پژوهش، جرم از نوع سرقت و شرارت و باجگیری است که در کلانشهر تهران روی داده است. تمامی جرایم از نوع موردنظر که در محدوده هر کدام از مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران در طول یک سال شمسی به وقوع پیوسته و داده‌های آن در نیروی انتظامی تهران بزرگ وجود داشته مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. لذا محدوده مکانی پژوهش حاضر کلانشهر تهران می‌باشد. پژوهش حاضر، با شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است. ابتدا با استفاده از نرم افزار ArcGIS کانون‌های بزهکاری مشخص شده و سپس انطباق کانون‌های بزه با وضعیت شهرسازی مورد تحلیل قرار گرفت. در ادامه، الگوی کاهش جرایم شهری بر اساس الگوی شهرسازی ارایه گردید و الگو به خبرگان موضوع ارایه شد و الگوی مدنظر با استفاده از SPSS فرضیه مورد آزمون قرار گرفت.

۴- بحث و بررسی به همراه تجزیه و تحلیل

بررسی توزیع مکانی جرایم شرارت، باجگیری و سرقت به عنف در شهر تهران نشانگر آن است که بیشترین تراکم این جرایم در محدوده مناطق ۶، ۱۲ و ۷ قرار دارد. این موضوع که تعداد جرایم روی داده شده در هر یک از مناطق به چه صورت بوده است، برای شناخت هرچه بیشتر محدوده‌های حساس جرم‌خیزی اهمیت دارد. از این رو می‌توان از تراکم جرم در مناطق شهری سخن گفت. نقشه شماره ۱ تراکم جرم در مناطق را با طیفی از رنگ‌ها نشان می‌دهد.

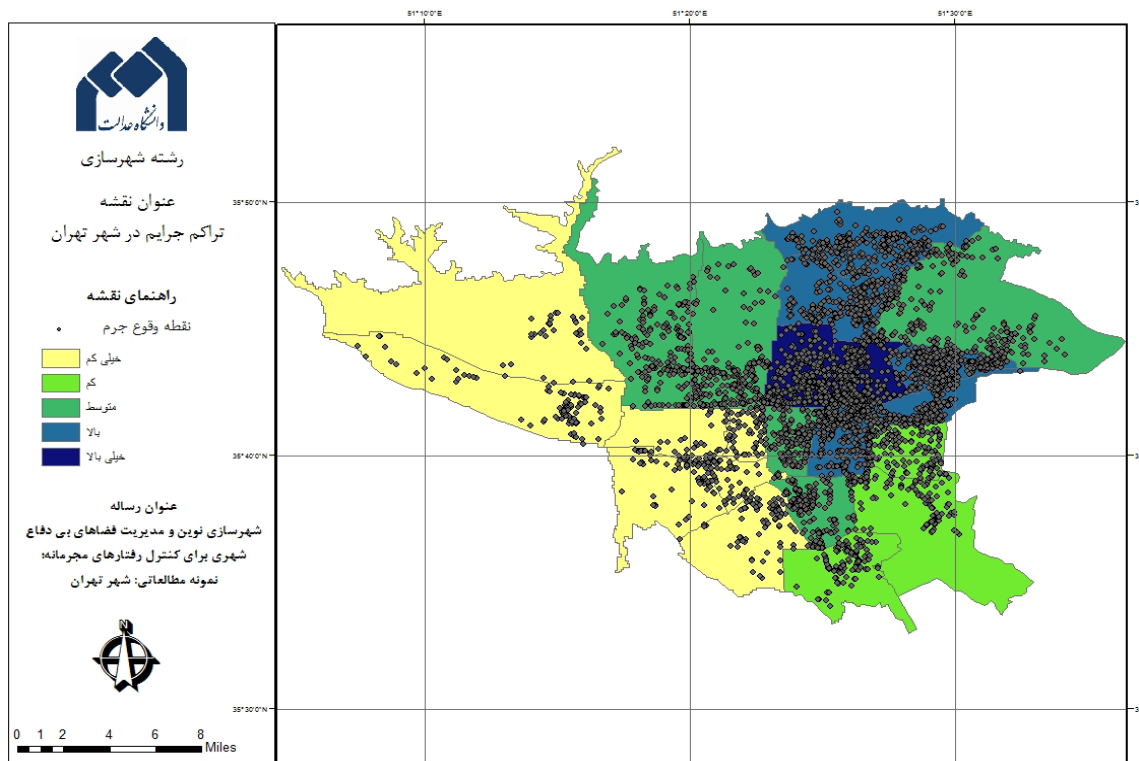
نتایج بررسی وضعیت شهرسازی در پهنه‌های اصلی جرم‌خیز نشان داده است که:

الف- در زمینه راهبرد نظارت، ۶ درصد عناصر محدوده در وضعیت مناسب به سر می‌برند، ۱۲ درصد

سال ۲۰۰۰ طی یک بررسی تطبیقی میزان وقوع سرقت در ۹۳ کشور جهان را بررسی نموده است. در کشورهای مختلف جهان، به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته‌ای نظیر انگلستان، آمریکا، آلمان، ژاپن و آفریقای جنوبی و فرانسه آمار سرقت در سال ۲۰۱۳ نسبت به سال ۲۰۰۰ حداقل ۵ برابر شده است. این آمار به‌ویژه در سه سال اخیر و به دنبال بروز بحران‌های شدید اقتصادی، سیری شتابان یافته است (معاونت اجتماعی ناجا، ۱۳۹۳). در ایران بررسی آمارهای مربوط به سرقت احشام، سرقت لوازم خودرو و وسایل داخل آن، سرقت از قایق و لوازم دریایی، سرقت از موتور سیکلت، سرقت از اتومبیل، سرقت از مراکز صنعتی و تجاری، سرقت از مغازه‌ها، سرقت از منازل، سرقت از اماکن دولتی طی ۱۵ سال اخیر نشان می‌دهد که سرقت نه تنها رو به کاهش نیست، بلکه رو به افزایش نیز هست (مرکز آمار ایران، آمارنامه ۱۳۹۲). در این میان، کلانشهر تهران که در ردیف بزرگترین شهرهای خاورمیانه و جهان قرار دارد، بعنوان پایتخت سیاسی، اقتصادی یک کشور در حال توسعه، دارای حساسیت ویژه‌ای از منظر سلامت اجتماعی و امنیت شهری است. این در حالی است که بر پایه آمار جرایم، به دلیل شرایط خاص فضایی و جغرافیایی این شهر دارای بالاترین آمار جرم و جنایت بین شهرهای کشور است (کارگر، ۱۳۸۵، ص ۱۸ و علی اکبری، ۱۳۸۳، ص ۴۹). تهران به دلیل پیچیدگی‌های ساختاری و کارکردی و شرایط خاص کالبدی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر آن، با نرخ بالای ناهنجاری‌های اجتماعی مواجه است. این شهر بالاترین سهم نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، بیشترین میزان جرم و جنایت و بیشترین میزان بودجه نیروی انتظامی کشور را در جهت حفظ ثبات و امنیت به خود اختصاص داده است (نصیری و اعظمی، ۱۳۸۵، ص ۴۳). حال این پرسش مطرح می‌گردد که الگوی مناسب فضای شهری که سازگار با حذف فضاهای بی‌دفاع و کاهش جرایم و خشونت در فضای شهر تهران باشد، کدام است؟

۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کاربردی است و دستاوردهای آن برای نیروی انتظامی، نهادهای قضایی و مدیران شهری قابل استفاده خواهد بود. این پژوهش به روش



نقشه ۱. تراکم منطقه‌ای جرایم در شهر تهران؛ مآخذ: ترسیم نگارنده.

چندگانه محیطی می‌باشند، لذا زمانی که محدوده مورد مطالعه، از نظر وضعیت سپتد، از شرایط مناسبی برخوردار نیست و از نظر رهبردهای محیطی چندگانه سپتد نیز وضعیت مناسبی ندارد، به صراحت می‌توان اذعان داشت که محدوده مورد مطالعه به لحاظ شاخص‌های محیطی نیز وضعیت مطلوب و مناسبی نداشته و لذا فضاهای مذکور، از جمله فضاهای بی‌دفاع شهری محسوب می‌گردند. این امر، علتی برای بروز جرایم در آن و اصولاً دلیلی منطقی برای شکل‌گیری این کانون جرم خیزی در شهر می‌باشد.

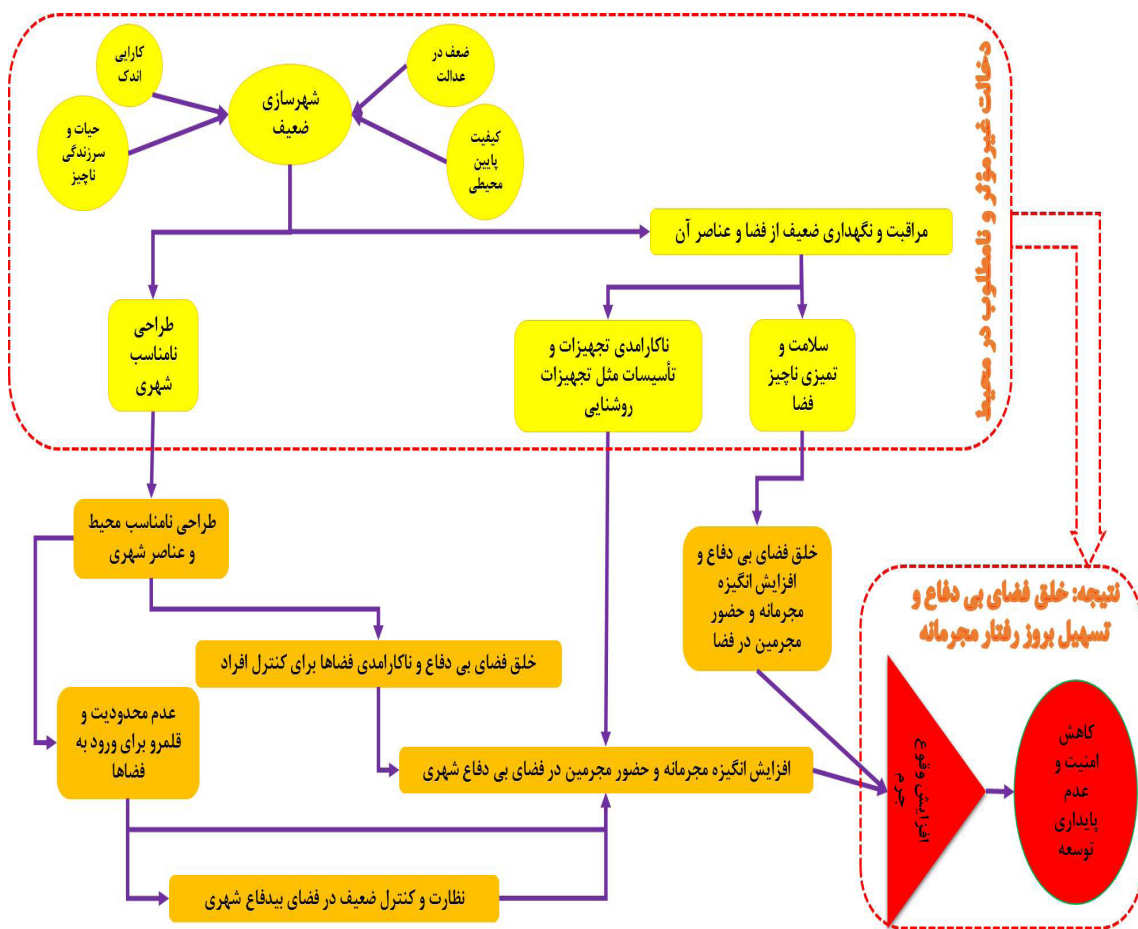
با توجه به آنچه که در پژوهش انجام شد، الگوی وضع موجود بدست آمده و در مقابل آن، الگوی وضع مطلوب باید ترسیم گردد. بی‌شک فهم الگوی وضع موجود که به افزایش جرم و تسهیل شرایط بروز رفتارهای مجرمانه می‌انجامد، کفایت نمی‌کند و لازم است تا الگوی مطلوب برای کاهش جرم نیز ترسیم گردد. شکل شماره ۱ الگوی وضع موجود را ترسیم نموده و نشان می‌دهد که چگونه دخالت غیرمؤثر و نامطلوب محیطی و خلق فضاهای بی‌دفاع شهری به تسهیل شرایط بروز جرم در محدوده و شکل‌گیری کانون جرم خیز در شهر می‌انجامد.

وضعیت نامناسب دارند و ۸۲ درصد دارای شرایطی بسیار نامناسب هستند.

ب- مطابق دستاوردهای پژوهش، در پهنه مهم‌ترین کانون جرم خیز شهری به لحاظ راهبرد تعمیر و نگهداری، ۳ درصد از عناصر محدوده در شرایط نسبتاً مناسب قرار دارند. ۴۹ درصد آنها در وضعیت نامناسبی هستند و ۴۸ درصد عناصر، در شرایط بسیار نامناسبی واقع می‌باشند.

ج- در پهنه مورد مطالعه، به لحاظ راهبرد قلمروگرایی، در این بررسی مشخص گردیده است که ۷۲ درصد عناصر محدوده -که شامل میادین، معابر و خیابانها می‌باشد- در وضعیت بسیار نامناسب قرار دارند، ۲۷ درصد وضعیت نامناسبی دارند و ۲ درصد این عناصر از وضعیت نسبتاً مناسب برخوردارند.

همچنین بررسی نشان می‌دهد که، ۷ درصد عناصر محدوده مهم‌ترین کانون جرم خیزی شهر در شرایط نسبتاً خوب و ۹ درصد در وضعیتی نامناسب قرار دارند. لیکن ۸۵ درصد از عناصر محدوده، وضعیت مطلوبی از نظر سپتد ندارند. در ادامه، با توجه به اینکه سپتد از رهبردهای چندگانه تشکیل شده و راهبردها نیز حاصل جمع شاخص‌های



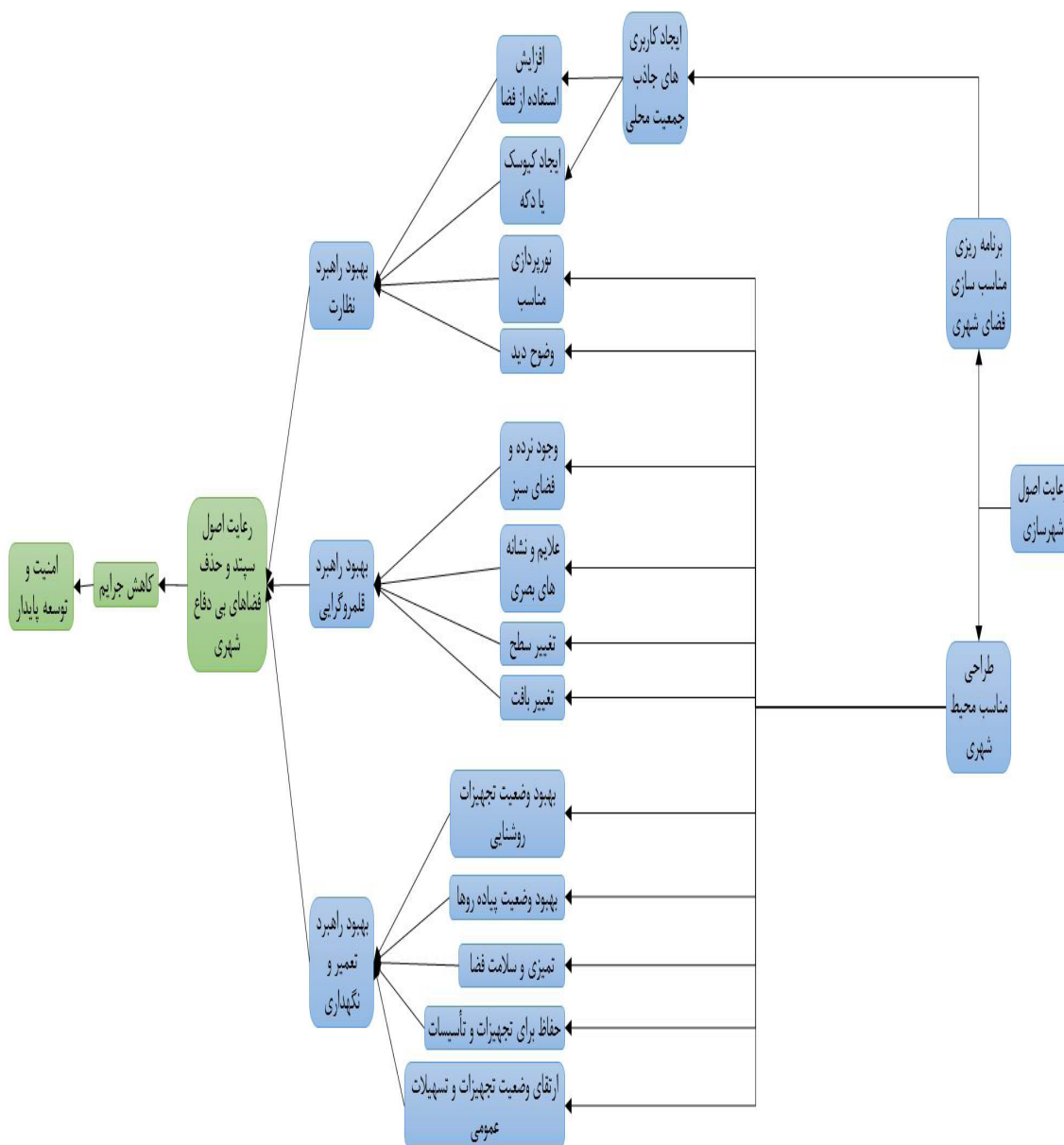
شکل ۱. الگوی وضع موجود؛ ماخذ: نگارندگان.

۵-آزمون فرضیه

محتوای فرضیه آنست که: «الگوی کارآمد برای حذف فضاهای بی‌دفاع شهری و کاهش جرم و خشونت در شهر تهران، مبتنی بر رعایت اصول شهرسازی در راستای توسعه پایدار شهری می‌باشد». به بیان دیگر، این فرضیه ادعا می‌نماید که الگوی دخالت محیطی منطبق با اصول شهرسازی در شهر (اعم از برنامه‌ریزی کاربری زمین شهری و تأمین نظارت، قلمروگرایی و نگهداری از طریق طراحی شهری، سالم نگهداشتن و زیباسازی فضای شهری و...) به کاهش بروز جرایم از جمله سرقت شهری می‌انجامد. در این زمینه ادای این توضیح بدین شرح لازم است که قبول و تأیید فرضیه قبلی پژوهش به طور طبیعی دلیل و گواهی بر این فرضیه می‌باشد. زیرا الگوی نادرست دخالت محیطی که منطبق بر عدم رعایت اصول برنامه‌ریزی بوده است تاکنون در شهری مانند تهران موجب شکل‌گیری فضای بی‌دفاع شهری و لذا

در مقابل، شکل شماره ۲ بیانگر الگوی مطلوب است که در آن، دخالت مناسب و مطلوب در محیط شهری می‌تواند ضمن حذف فضاهای بی‌دفاع شهری، به کاهش رفتار مجرمانه بیانجامد. این همان الگویی است که پژوهش در نهایت بدان رسیده و آنرا به عنوان پیشنهادی خود برای کاهش جرایم شهری قرار داده است.

در الگوی مطلوب، باید شهرداری تهران با همکاری سایر نهادها، به وضعیت سلامت فضاها و بویژه معابر، تجهیز آنها، ایجاد تأسیسات و تسهیلات، نگهداری و مراقبت از تأسیسات و تجهیزات، بهبود علائم و نشانه‌های بصری و تابلوها، ارتقای وضعیت پیاده‌روها، تغییر سطح و بافت معابر، خیابان‌ها و پیاده‌روها، بهبود وضعیت روشنایی و تعمیر و بازسازی تجهیزات خراب شده اقدام نموده و از این طریق، با کاهش تدریجی فضاهای بی‌دفاع شهری، زمینه را برای حضور مجرمین، ناامن کند.



شکل ۲. الگوی وضع مطلوب یا الگوی نهایی پیشنهادی پژوهش؛ ماخذ: نگارندگان.

۱. تسهیل هرچه بشتر بروز جرم و زمینه سازی بروز رفتارهای مجرمانه و شکل گیری کانون های جرم خیز شهری بوده است. اما برای آزمون صحت و اعتبار الگوی بدست آمده، از پرسشنامه ای استفاده شد که بین خبرگان توزیع گردید. مقصود از خبرگان شامل موارد زیر می باشد:
۲. متخصصین در مرکز تحقیقات پلیس پیشگیری ناجا، متخصصین
۳. کارشناسان مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری تهران
۴. متخصصین و کارشناسانی از معاونت پیشگیری از جرم قوه قضاییه.
- با توجه به اینکه محدودیت زمانی برای محقق وجود داشت و با در نظر گرفتن اینکه اغلب این افراد به دلیل مشغله کاری، در ساعات اداری به دشواری فراوان
۱. خبرگان دانشگاهی؛ اساتید گروه شهرسازی، جغرافیا و برنامه ریزی شهری (از جمله دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، بهشتی و مدرس)

شهری که در این رساله پیشنهاد گردید، برابر با ۴/۷۱ است که بالاتر از سطح میانگین بوده و لذا مورد پذیرش قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که در مطالعات علمی، معمولاً داده‌های با انحراف معیار بیشتر از دو به عنوان داده‌های پرت در نظر گرفته و از تحلیل، خارج می‌شوند (جدول ۱).

با توجه به نتایج آماری فوق، سازگاری الگوی نهایی پژوهش (کاهش جرم از طریق رعایت اصول شهرسازی و حذف فضاهای بی‌دفاع شهری) با موضوع و اهداف تحقیق به اثبات می‌رسد. علاوه بر این، الگوی مدنظر با اهداف کلان کاهش جرم سازگاری دارد. ضمن آنکه با شرایط کنونی جرایم کلانشهرها نیز سازگار است. برای سایر معیارها نیز به همین گونه عمل شد که نتایج آن در جدول شماره ۲ آمده است.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

با توجه به اینکه هر یک از معیارها و گویه‌های پژوهش مورد تایید و اثبات قرار گرفته است، پس الگوی نهایی پژوهش نیز به طور منطقی مورد تایید می‌باشد. شکل شماره ۳ نشان می‌دهد که تایید و اثبات ابعاد به تایید و اثبات و اعتبار الگوی نهایی پژوهش مبنی بر کاهش جرایم از طریق رعایت اصول شهرسازی و حذف فضاهای بی‌دفاع شهری انجامیده است.

بر این اساس، فرضیه دوم پژوهش مورد تأیید واقع می‌شود. الگوی نهایی بدست آمده در این پژوهش دارای ویژگی‌های زیر می‌باشد:

۱. برآیند توانمند پژوهش‌های علمی، بررسی میدانی و نظرخواهی از متخصصان، خبرگان و صاحب‌نظران است.
۲. می‌تواند به کاهش بخش قابل توجهی از آسیب‌های اجتماعی در کلانشهر بیانجامد.
۳. منطبق بر واقعیات موجود در روی زمین و شرایط حقیقی حاکم بر فضا است.

می‌توانستند زمانی برای جلسه ملاقات حضوری بدهند، لذا با تماس تلفنی، فکس، تلگرام و یا با ایمیل، پرسشنامه تبادل شد و از همان طریق نیز پاسخ دریافت گردید. در داخل این پرسشنامه، ابتدا موضوع پژوهش و مدل مفهومی بیان گردید و سپس الگوی پیشنهادی که پژوهش در نهایت به آن دست یافت (الگوی نهایی تجربی پژوهش) ترسیم شد. در قسمت پایانی پرسشنامه، از متخصصین، کارشناسان و اساتید خواسته شد به پرسش‌هایی که در زمینه اعتبار و تناسب الگوی مدنظر می‌باشد پاسخ دهند. نتیجه این پرسشگری که در میان ۳۰ نفر انجام شد به‌طور خلاصه در جداول بعدی آمده است. محاسبه نمره نهایی ابعاد تناسب و اعتبار الگوی پیشنهادی و نهایی پژوهش، از جمله ملزومات تحلیل و آزمون نهایی الگو می‌باشد. از معیارها و یا ابعاد هفت گانه تناسب و اعتبار الگوی پیشنهادی «کاهش جرایم شهری از طریق رعایت شهرسازی و حذف فضاهای بی‌دفاع شهری» شامل موارد زیر می‌باشد: ۱. متناسب بودن (Suitability)؛ ۲. اثربخشی، سودمندی (Effectiveness)؛ ۳. مشروعیت (Legitimacy)؛ ۴. پیوستگی و تداوم (Continuity)؛ ۵. انعطاف‌پذیری (Flexibility)؛ ۶. قاعده‌مندی (Regularity) و ۷. شفافیت (Transparency).

هر کدام از ابعاد و یا معیارها به نوبه خود، از تعداد مختلفی گویه تشکیل گردیده است، لذا برای هر یک از این ابعاد باید با استفاده از تحلیل SPSS نمره نهایی را بدست آورد که حاصل جمع و میانگین گویه‌ها می‌باشد. از این رو، وضعیت نهایی هر یک از ابعاد الگوی نهایی در ادامه بیان گردیده است.

معیار نخست، «متناسب بودن الگوی پیشنهادی پژوهشگر برای کاهش جرایم از طریق رعایت اصول شهرسازی و حذف فضاهای بی‌دفاع شهری» است. با توجه به جدول شماره ۱ میانگین نمره معیار متناسب بودن الگوی کاهش جرایم از طریق رعایت اصول شهرسازی و حذف فضاهای بی‌دفاع

جدول ۱. تحلیل آماری معیار متناسب بودن الگوی پیشنهادی پیشگیری از جرم؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

Descriptive Statistics					
	N	Minimum	Maximum	Mean	Std. Deviation
Suitability	۳۰	۳/۶۷	۵/۰۰	۴/۷۱۱۱	۰/۳۴۷۲۲
Valid N (listwise)	۳۰				

جدول ۲. تحلیل آماری معیارهای آزمون الگوی پیشنهادی پیشگیری از جرم؛ ماخذ: یافته‌های تحقیق.

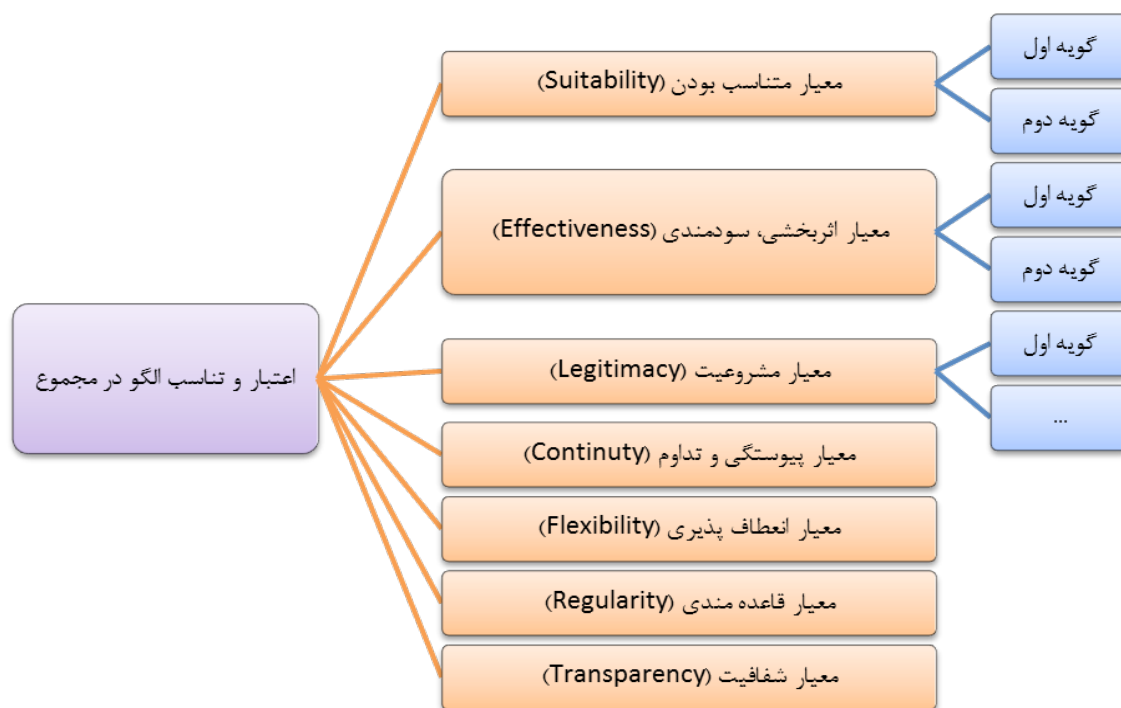
معیار متناسب بودن الگو					
	N	Minimum	Maximum	Mean	Std. Deviation
Effectiveness	۳۰	۲/۵	۵/۰۰	۴/۶۸۳۳	۰/۵۷۹۳
Valid N (listwise)	۳۰				
معیار مشروعیت					
	N	Minimum	Maximum	Mean	Std. Deviation
Legitimacy	۳۰	۳/۳۳	۵/۰۰	۴/۶۷۷۸	۰/۴۳۳۱
Valid N (listwise)	۳۰				
معیار پیوستگی و تداوم					
	N	Minimum	Maximum	Mean	Std. Deviation
Continuty	۳۰	۳/۵	۵/۰۰	۴/۷۵۰۰	۰/۴۳۰۵
Valid N (listwise)	۳۰				
معیار انعطاف پذیری					
	N	Minimum	Maximum	Mean	Std. Deviation
Flexibility	۳۰	۴/۰۰	۵/۰۰	۴/۷۸۳۳	۰/۳۳۹۴
Valid N (listwise)	۳۰				
معیار قاعده مندی الگوی پیشگیری از جرم					
	N	Minimum	Maximum	Mean	Std. Deviation
Regularity	۳۰	۲/۵	۵/۰۰	۴/۶۱۶۷	۰/۶۷۸۲
Valid N (listwise)	۳۰				
معیار شفافیت الگوی پیشنهادی					
	N	Minimum	Maximum	Mean	Std. Deviation
Transparency	۳۰	۳/۰۰	۵/۰۰	۴/۶۳۳۳	۰/۷۱۸۴
Valid N (listwise)	۳۰				

الگوی موجود یک گام از الگوهای پیشن خود جلوتر بوده و کامل‌تر از آن است. تفاوت‌های این الگو با الگوهای پژوهش‌های پیشین در این است که:

۱. الگوهای قبلی، در موارد مختلف، تنها به تشریح وضع موجود جرایم و ناامنی بسنده کرده و تا مرحله ارائه پیشنهادات اجرایی، پیش نرفته است لیکن الگوی نهایی این پژوهش، به مرحله راهکارهای مناسب برای کاهش وضعیت نامطلوب و دستیابی به توسعه پایدار نیز نائل گردیده است.

۲. الگوهای قبلی، تنها به بخشی از راهکارهای محیطی برای کاهش جرم اشاره می‌کنند. اما راهکارهای ارائه شده در آنها، جامع نیست. اما الگوی پژوهش حاضر، یک الگوی جامع است که ابعاد مختلف محیطی را دربر می‌گیرد.

۳. الگوهای گذشته، یا به دستاوردهای میدانی در کنار دیدگاه متخصصان و صاحبان تخصص و تجربه، اعم از دانشگاهی و یا سازمانها و نهادهای انتظامی اشاره ندارند و یا در موارد متعددی، تنها حاصل بررسی



شکل ۳. رابطه گویه‌ها و معیارها با یکدیگر و نحوه اثبات الگوی نهایی کاهش جرایم شهری

شماره ۴۸، تابستان

۵. کارگر، بهمن (۱۳۸۵) امنیت شهری (ارزیابی کارایی خدمات انتظامی و امنیتی در نظام مدیریت شهری)، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
۶. کلانتری، محسن و آیت، آیت الله (۱۳۸۶) تأثیر شرایط محیطی بر وقوع بزهکاری و راهکارهای پیشگیر از آن، مطالعه (مورد تأثیر تاریکی، روشنایی، خلوتی و شلوغی محیط در نوع و میزان) جرایم ارتكابی در شهر تهران، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره پنجم، زمستان
۷. محمودی جانکی، فیروز و قورچی، مجید (۱۳۸۸)، نقش طراحی محیطی در پیشگیری از جرم، شماره دوم دوره سی و نهم فصلنامه حقوق
۸. مرشدی، مسعود (۱۳۸۸) بررسی عوامل مؤثر در انتخاب مکان سرقت (مطالعه موردی سرقت منازل در شهرستان خوی در سال ۱۳۸۶، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال چهارم، شماره سیزدهم، زمستان

این دیدگاه‌ها و نظرات می‌باشند. این در حالی است که الگوی نهایی این پژوهش، برآیند هم‌زمان مطالعه و برداشت‌های میدانی از یک سو و دیدگاه‌ها و نظرات متخصصان نهادهای پژوهشی و اجرایی از سوی دیگر می‌باشد.

منابع و مآخذ

۱. ادیبی سعدی نژاد، فاطمه و عظیمی، فاطمه (۱۳۹۰) تبیین امنیت در محیط شهری بر مبنای پارامترهای کالبدی و طراحی (مورد شهر بابل‌سر)، فصل‌نامه آمایش محیط، شماره ۱۵
۲. پرفیت، آلن (۱۳۷۸) پاسخ‌هایی به خشونت، ترجمه مرتضی محسنی، تهران: گنج دانش
۳. عبدی، توحید، خلعتبری، عبدالحسین و کامرانی صالح، بخشعلی (۱۳۸۷) عوامل مؤثر بر وقوع سرقت‌های به عنف شهرستان کرج، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال سوم، شماره اول، بهار
۴. علی اکبری، اسماعیل (۱۳۸۳)، توسعه شهری و آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران، پژوهش‌های جغرافیایی،

12. Greenberg, S. and W.Rohe; (1984) *Neighborhood Design and Crime*, APA journal, vol.50:1.
 13. Bennet, T. W. Wright, R. (1984), *Burglary on Burglary: Prevntion and the Offender*, Farnborough, Gower;
 14. Bennett, Trevor., (1986), *Situational Crime Prevention From The Offender Perspective*, In Heal & Laycoke.
۹. مرکز آمار ایران (۱۳۹۲) سالنامه آماری، آمارنامه سال ۱۳۹۲
 ۱۰. معاونت اجتماعی ناجا، (۱۳۹۳) گزارش رسمی جرایم و آسیب‌های اجتماعی، تهران
 ۱۱. نصیری، معصومه واعظمی، هادی (۱۳۸۵) نابرابری شهری، تهدیدی برای امنیت اجتماعی تهران، رویکردی در جغرافیای سیاسی، فصلنامه ژئوپلیتیک بهار، ۲ (پیاپی ۳)